



شماره سوم | ۲۴ خرداد ۱۴۰۱

محتواکار

ماهنامه دوستداران محتوا

چند ایده برای بهتر نوشتن

چگونه داستان عاشقانه بنویسیم؟

سئو چیست؟

زاویه دید

مروری بر کتاب شاهراه تاثیرگذاری

ایده‌یابی برای داستان کوتاه



باشگاه نویسندگی شیراز

پایگاه تولیدکنندگان محتوای استان فارس



به نام خداوند بخشنده مهربان

اللهم عجل لوليک الفرج

ماهنامه محتواکار

شماره ۳ | ۲۴ خرداد ۱۴۰۱

فهرست

- چند ایده برای بهتر نوشتن.....۱
- چگونه داستان عاشقانه بنویسیم؟.....۳
- سئو چیست؟.....۸
- تجدید نظر.....۹
- زاویه دید.....۱۰
- مروری بر کتاب شاهراه تاثیرگذاری.....۱۱
- ایده‌یابی برای داستان کوتاه.....۱۲
- شما.....۱۴

نویسندگان

فیروزه خیرمند، زینب فولادی، هدا خیرمند،

سمیه محمدی، نازنین ایمانی و آفتاب زارع

سردبیر و صفحه آرا

نازنین ایمانی

کاری از

باشگاه نویسندگی شیراز

راه‌های ارتباطی

اینستاگرام: @mohtavakaar

کانال تلگرام: mohtavakaar

منتظر نظرات شما هستیم. لطفا تجربیات خود را از خواندن نشریه در اختیارمان بگذارید.

درباره محتواکار

آنچه گذشت

خودمان را شرحه شرحه کردیم تا با حفظ کیفیت، حجم مطالب این شماره را افزایش دهیم.

چند هفته پیش کانال تلگرام «محتواکار» نیز افتتاح شد. مطالب کانال از جنس موضوعات نشریه است اما کوتاه‌تر. کسانی که برای دانلود ماهنامه از طریق وبسایت، مشکل داشتند می‌توانند آن را از کانال تلگرام «محتواکار» دانلود کنند.

یادداشت سردبیر

دور از انتظار

۴۵ دقیقه در خیابان، منتظر ایستاده بودم. نه اسنپ پیدا می‌شد نه تپسی. آفتاب کلافه‌ام کرده بود. بالاخره یکی آمد. سوار شدم. راننده سیبل‌های مشکی و پرپشتی داشت. دستبند ضخمتی پوشیده بود که به نظر می‌رسید از جنس طلاست. شروع کرد از این در و آن در حرف زدن. معلوم شد راننده ماشین سنگین است اما فعلا باری ندارد که جابه‌جا کند. از گرانی‌ها و خرج زن و بچه گفت و در ادامه داستان ازدواجش را تعریف کرد: «یه روز داشتم بار می‌بردم آستارا، نزدیک یکی از روستاها، دیدم یه دختری وایساده لب جاده. زدم کنار گفتم اینجا خطرناکه کجا می‌خوای بری؟ گفت: می‌خوام برم دانشگاه. رسوندمش. خودش میگه: نمیدونم چی شد که اعتماد کردم تو اون بیابون سوار ماشینت شدم. قسمته دیگه... همون‌جا با هم آشنا شدیم. هر دفعه، بار می‌بردم آستارا، بهش سر می‌زدم و براش گل می‌بردم. چند دفعه هم اون اومد شیراز و خوراکی‌های اونجا رو برام آورد. بعد پنج‌سال ازدواج کردیم الانم یه بچه داریم.»

جزئیات حرف‌هایش برایم دور از انتظار بود. گاهی اتفاقاتی می‌افتد که فکرش را هم نمی‌کنیم.

هیچ ورزشکار، سخنران، نوازنده، بازیگر و حتی نویسنده موفق بدون تمرین کردن، نمی‌تواند مهارت‌های خود را افزایش دهد. انتشار نوشته‌هایتان، فرصت مناسبی برای تمرین در نویسندگی و مقابله با ترس‌هایتان هستند.

خودتان را با نوشته‌هایتان به چالش بکشید. هر ماه مقاله‌ای بنویسید؛ سپس از همکارانتان بخواهید که متن شما را از لحاظ نوشتاری و دستور زبان به دقت بررسی کنند و ایرادهای آن را به شما بگویند.

مطالعه بیشتر

تا می‌توانید کتاب بخوانید. نویسندگان کسی‌ست که به طور دائم وسوسه خواندن متن‌های جدید را دارد و از هر کس چیزی یاد می‌گیرد. نویسندگان می‌کوشد، به هر شکلی شده، کارهایی را که شروع کرده است به اتمام برساند. کتاب، دوست همیشگی نویسندگان است. پس خواندن، یکی از دلایل اصلی تقویت مهارت نویسندگی است.

چند ایده برای بهتر نوشتن

چگونه خلاقانه‌تر بنویسیم؟

برای ارتقای مهارت نویسندگی توجه به رهنمودهای زیر از اهمیت بالایی برخوردار است:

مسافرت

با سفر کردن، موضوعات متنوعی را برای نوشتن پیدا می‌کنید. شما در طول سفر با آدم‌ها، فرهنگ‌ها و شیوه‌های گوناگون زندگی دیگران آشنا می‌شوید. تجربه‌های تازه‌ای کسب می‌کنید و احتمالاً در سلسله‌ای از حوادث درگیر می‌شوید. سفر همواره، الهام‌بخش‌ترین گزینه برای نوشتن بوده است. «داستان گیلگمش» قهرمان سومر، «ایلیاد و ادیسه» اثر هومر، «تاریخ هرودوت»، «سفرنامه سلیمان تاجر»، «سفرنامه مارکوپولو»، «گلستان سعدی»، «سفرنامه ناصرخسرو» و «رحله» ابن بطوطه و... حاصل گردشگری در سرزمین‌های دیگر بوده‌اند.



زاویه دید

برای نویسندگی باید زاویه دید مناسبی داشته باشید. اگر به طور معمول، زاویه دید اول شخص را انتخاب می‌کنید، سعی کنید دوم شخص و سوم شخص را هم امتحان کنید تا زاویه دید مناسب متن خود را پیدا کنید.

نویسنده پله‌به‌پله جلو می‌رود. او ابتدا با کلمه‌ها جمله می‌نویسد و بعد با استفاده از جمله‌ها پاراگراف و در نهایت با پاراگراف‌ها متن را می‌سازد. معروف است که ریچارد براتیگان ۷ سال تمرین کرد تا نوشتن جمله‌ها را به شکل درست یاد بگیرد. ابتدا از ساده‌نویسی شروع کنید و بعد آن را کمی پیچیده کنید.

تمرین تمرین تمرین

اگر می‌خواهید به نویسنده توانمندی تبدیل شوید، باید در هر فرصتی که پیدا می‌کنید، بنویسید. مدام کار کنید و مرتب کار خود را بازنویسی کنید. ارنست همینگوی، با اینکه توانایی زیادی در نوشتن داشت، کتاب «وداع با اسلحه» را ۴۰ بار بازنویسی کرد.

نوشته‌های دیگران

نوشتن درباره کتاب‌ها و مقالات دیگران، یکی از روش‌هایی است که نگاه فرد به نوشتن را شفاف‌تر می‌کند، او را در این راه مصمم‌تر می‌سازد و کمک می‌کند تا آموخته‌هایش افزایش یابند.

منابع:

چگونه نویسنده شویم؟ | استیون کینگ

سیزده راه برای حرفه‌ای شدن در نویسندگی به روایت

نویسندگان بزرگ جهان | خبرگزاری کتاب ایران

صد روش از صد نویسنده | کاظم رهبر

نویسندگی چیست و نویسنده کیست؟ | مجله

پرسمان (خرداد ۱۳۸۷)

همان‌طور که هر فرد برای یادگرفتن تکنیک‌ها، باید کارهای فعالان آن حوزه را دنبال کند، هر نویسنده‌ای هم برای ارتقای مهارت‌هایش باید آثار نویسندگان بزرگ را مطالعه کند.

استیون کینگ می‌گوید: «مطالعه، مرکز خلاقیت هر نویسنده است. مطالعه و کتاب، دوستان همیشگی نویسنده هستند. نویسنده نه یک فرد پرخوان، بلکه باید یک کتاب‌خوار باشد!»

تنوع در مطالعه

کتاب‌های متنوعی بخوانید. در سبب مطالعاتی خود، هم کتاب‌های داستانی و هم غیرداستانی بگنجانید. مطالعه کتاب‌های تاریخی، سیاسی، روان‌شناسی، فلسفه، جغرافیا، دینی، اخلاقی، عرفانی، رمان، جامعه‌شناسی و... نیز می‌تواند به شما کمک کند، خلاقانه‌تر بنویسید.



مدیریت زمان

بعضی روزها برای انجام کارها، وقت کم می‌آوریم؛ نمی‌توانیم زمانمان را مدیریت کنیم و مهارت‌های مدیریت زمان را به صورت کامل یاد نگرفته‌ایم. کمبود زمان می‌تواند ناشی از دلایل مختلفی باشد. مثلاً مشکل در اولویت‌بندی کارها و فعالیت‌ها یا ضعف در هنر حل مسئله.

در حقیقت توسعه مهارت‌های مدیریت زمان یک سفر طولانیست و به تمرین زیاد توسط شما نیاز دارد.

چگونه داستان عاشقانه بنویسیم؟

هر آنچه باید برای نوشتن داستانی رمانتیک بدانیم

اگر تا به حال نتوانسته‌اید طرح‌های ذهنیتان را در قالب یک داستان عاشقانه منسجم، پیاده کنید این مقاله را حتما بخوانید.

از «خسرو و شیرین» نظامی تا «چشم‌هایش» بزرگ علوی، داستان‌های عاشقانه قلب ما را لبریز از شوق می‌کند؛ به طوری که خود را جای شخصیت اصلی می‌گذاریم و در داستان غرق می‌شویم.

در طول تاریخ، داستان‌های زیادی با این درون‌مایه به وجود آمده است و شاید به نظر برسد هیچ ایده تازه‌ای در مورد عشق وجود ندارد اما

«چطور گفتن یک چیز، مهمتر از چیزی است که می‌گویید.»

. رونالد بی توبیاس

پیش‌نیازها

۱. مطالعه

کسانی می‌توانند خوب بنویسند که کتاب‌های زیادی در آن حوزه خوانده باشند. چند داستان عاشقانه درخشان را انتخاب کنید و بارها آن را بخوانید. حتی رونویسی از بخش‌هایی از آن می‌تواند برایتان مفید باشد. به این ترتیب با شگردهای نویسنده برای جذاب کردن داستان، بیشتر آشنا می‌شوید.

۲- ایده‌یابی

ایده‌ها در هر جایی ممکن است نمایان شود. آن‌ها را مکتوب کنید تا فراموش نکنید. نویسندگان بزرگ همواره دفترچه‌ای را به همراه داشتند تا اگر ایده‌ای به ذهنشان رسید، آن را یادداشت کنند.

در این مقاله درباره داستان‌نویسی به روش کلاسیک (ساختار سه پرده‌ای) صحبت می‌کنیم. در این روش بنیان داستان، بر پیرنگ است. رابرت مک‌کی در کتاب «داستان» تعریف ساده‌ای از پیرنگ ارائه کرده است:

«پیرنگ یا طرح یا پلات، الگویی برای انتخاب و چینش دیگر عناصر داستان است.»

زمانی که ایده کلی داستان عاشقانه‌تان را یافتید، می‌توانید برای طراحی پیرنگ آن، اقدام کنید. طرح اولیه داستان را مشخص کنید. یک ایده مرکزی را در نظر بگیرید و آن را بسط دهید. اغلب نویسندگان، در این زمینه از زندگی شخصی خود یا اطرافیانشان، الهام می‌گیرند.

در پرده اول سؤالی مطرح می‌شود که در پرده سوم به آن جوابی داده می‌شود، بنابراین این دو پرده به طور بالقوه جذاب هستند، اما بسیاری از نویسندگان در نوشتن پرده‌ی دوم (بخش میانی داستان)، دچار مشکل می‌شوند، چون پیرنگشان دچار مشکلات اساسی است.

جان تروبی معتقد است؛ پیرنگ شما به روش شما برای پنهان یا آشکار کردن اطلاعات بستگی دارد. طراحی پیرنگ یعنی «مدیریت استادانه تعلیق و معما، هدایت هنرمندانه خواننده در یک فضای پیچیده... که همیشه پر از نشانه‌هایی است که باید خواننده شوند، اما همیشه تا لحظه‌ی پایان، در معرض سوء تعبیر هستند.»

در داستان‌های عاشقانه، یک طرح کلی می‌تواند به شما کمک کند بدون غرق شدن در جزئیات، به طرح خود پایبند باشید. قبل از شروع نوشتن، خلاصه داستان خود را ترسیم کنید، وقایع مهم را یادداشت کنید و نکات طرح را به ترتیبی که می‌خواهید در داستان شما گنجانده شود، بنویسید.



هر چه بیشتر در مورد مخاطب خود، بدانید بهتر است. هر دسته‌ای دغدغه‌ها و نیازهای خاص خود را دارد. مشابهت‌های میان کاراکتر اصلی و مخاطب، باعث می‌شود میزان همذات‌پنداری بیشتر شود و مخاطب رابطه عمیق‌تری با داستان برقرار کند.

شخصیت‌پردازی

شناخت دو کاراکتر اصلی داستان اهمیت زیادی دارد. برای هر یک، هویت مستقلی در نظر بگیرید. پیشینه خانوادگی، وضعیت مالی، شغل، خلیقات، آرزوها و حسرت‌های آن‌ها را تعیین کنید. ممکن است در داستان‌تان به بسیاری از این اطلاعات اشاره‌ای نشود اما نیاز است شما آن‌ها را خوب بشناسید تا بر همین اساس، بتوانید تصمیم بگیرید در موقعیت‌های مختلف هر یک از شخصیت‌ها چه واکنشی نشان می‌دهد.

به خاطر داشته باشید عشاق اغلب به نوعی وصله ناجورند. برای مثال:

این طرح مانند کتاب قانون شما را راهنمایی می‌کند. گاهی ممکن است تصمیم بگیرید داستان شما از چارچوب اولیه خارج شود اما در هر صورت نیاز است که در ابتدا طرح مشخصی را تدوین کرده باشید.

مخاطب‌شناسی

برای درگیرکردن مخاطب با داستان، حس همذات‌پنداری او را برانگیخته کنید. برای این کار می‌توانید جامعه هدف‌تان را تعیین کنید و در نظر بگیرید برای چه نوع مخاطبی داستان می‌نویسید:

- برای نوجوانانی که در ابتدای سن بلوغ هستند یا زنان میانسال خانه‌دار؟

- برای بازنشستگانی که بیوه شده‌اند یا جوانان جویای کار؟

به طور کلی مخاطب شما از چه تپیی است؟ فهرست اطلاعات کلیدی جمعیت‌شناختی و روانشناختی، مانند سن، جنسیت، نژاد، سطح درآمد، علایق، ارزش‌ها و ویژگی‌های شخصیتی را تعیین کنید.

شیخ صنعان در منطق الطیر (اختلاف سن و دین)

دیو و دلبر (اختلاف ظاهری)

جین ایر، سیندرلا، اتلو و غرور و تعصب (اختلاف طبقه اجتماعی و سطح درآمد)

رمئو و ژولیت (اختلاف خانوادگی)

پیژن و منیژه (ملیت)

آغاز نوشتن

در ابتدا، هیجان زیادی داریم که زودتر داستانمان را بنویسیم اما بعد از چند روز میل نوشتن در ما فروکش می‌کند و جای خود را به کسالت می‌دهد.

برای پیشگیری از این مورد، یک برنامه منظم داشته باشید و نوشتن داستانتان را تبدیل به یک عادت کنید. هر روز ساعات مشخصی را به آن اختصاص دهید.

روزهایی می‌رسد که حوصله کار کردن ندارید. به خود بگویید: «تو می‌توانی پشت میزت بنشینی و هیچ چیز ننویسی اما در این دو ساعت، هیچ کار دیگری جز نوشتن نمی‌توانی انجام دهی.» این یکی از عادات نویسندگان موفق است.



اگر موردی پیش آمد و از برنامه خود عقب ماندید؛ ناامید نشوید و هیچ صفت نابه‌نجاری را به خود نسبت ندهید. خود را ببخشید و قوی‌تر از گذشته، با خود تجدید عهد کنید.

«با قلم بنویسیم یا با کیبورد تایپ کنیم؟» در پاسخ به این سوال باید گفت بستگی به شما دارد. اگر تایپ کنید بسیار سریع‌تر می‌توانید داستانتان را اصلاح کنید. نوشتن با کاغذ و قلم ممکن است خلاقیت شما را در نوشتن افزایش دهد. پیشنهاد می‌کنم از ترکیب این دو روش استفاده کنید تا از مزایای هر دو برخوردار شوید.

دست‌گرمی

برای درک بهتر شخصیت‌ها، بهتر است چند مونوگ با موضوعات مختلف از زبان شخصیت‌ها بنویسید. این گفتگوی درونی می‌تواند در مورد هر موضوعی که دوست دارید باشد. بهتر است حجم هر کدام از مونولوگ‌ها دو تا سه صفحه باشد.

در مرحله‌ی بعد، دو کاراکتر اصلی را وارد گفتگو کنید و بگذارید کشمکش بینشان ایجاد شود. موضوعی را انتخاب کنید که آن‌ها بر سرش توافق نظر ندارند. قرار نیست گلاویز شوند فقط باید تضادها نمایان شود. توصیه می‌کنم چند دیالوگ سه صفحه‌ای، بنویسید.

به خاطر داشته باشد همین کشمکش هاست که داستان را جلو می‌برد. این تمرینات به نوعی دست‌گرمی برای شناخت کاراکترهای اصلی‌ست. می‌توانید در مورد شخصیت‌های دیگر داستان هم، چنین تمریناتی داشته باشید.

زاویه دید

در ابتدا، به آن صورت بنویسید که با آن راحت‌تر هستید. ممکن است در پایان داستان متوجه شوید اگر زاویه دید را عوض کنید داستان جذاب‌تر می‌شود. این تغییر را در مرحله بازنویسی انجام دهید.

آمادگی پرورش احساسات مختلف را براساس نیازهای پیرنگ داشته باشید. به خاطر داشته باشید که احساس مخالف عشق، بی‌تفاوتی است نه تنفر.

۴- از توصیف غافل نشوید اما اطناب و کشدار کردن داستان هم توصیه نمی‌شود.



تمام کردن داستان

در اغلب موارد داستانی را شروع می‌کنیم و نیمه‌کاره رهاش می‌کنیم. فراموش نکنید که یک پایان افضاح بهتر از نیمه‌کاره رها کردن آن است. به خود بگویید: «من می‌خواهم فاجعه‌بارترین پایان را برای این داستان خلق کنم.» در این مرحله، به انتشار داستانتان فکر نکنید. این روش موجب می‌شود فشارهای ذهنیتان کاهش پیدا کند.

پایان بندی

در پایان داستان دو شخصیت اصلی دچار تغییر شده‌اند و با آدم‌هایی که در ابتدای داستان بوده‌اند، متفاوتند. به این فکر کنید که در پایان هر کدام دچار چه تغییرات منفی یا مثبتی شده‌اند.

برای تصمیم‌گیری درمورد پایان داستان به سیر منطقی داستان توجه کنید؛ مثلاً یک فرد سست عنصر نمی‌تواند شریک عاطفی خوبی برای کسی باشد. نمی‌شود به همه‌ی داستان‌ها پایان خوش خواند. داستان باید باورپذیر باشد.

عشق باید حداقل با یک مانع اصلی مواجه شود. شخصیت‌ها به دلایل مختلف نمی‌توانند به راحتی به وصال برسند. همان طور که شکسپیر در رویای نیمه شب تابستان نوشته است: «مسیر حقیقی عشق هرگز بی‌دردسر نبوده است.»

ریشه اکثر موانع، تضادهاییست که در گام‌های قبلی به آن‌ها پرداختیم. به طور کلی، یکی از کاراکترها فعال‌تر و جسورتر از دیگری است و برای برداشتن موانع نقش اصلی را بازی می‌کند (فرقی ندارد مونث است یا مذکر)

اولین تلاش‌ها برای برداشتن مانع معمولاً نتیجه‌بخش نیست. این موانع می‌توانند بیرونی (مثل مخالفت اطرافیان با این وصلت) یا درونی (مثل درگیری‌های ذهنی کاراکتر با خودش) باشد. عشق باید محکم بخورد تا نتیجه مشخص شود.

«عشق واقعی بیشتر ساختی است تا یافتنی.»

. مجتبی شکوری

بنابراین عشق نیاز به ازخودگذشتگی و پایداری دارد.

نکات کلیدی

۱- باید شیمی رابطه درست باشد؛ شیمی رابطه همان جذابیت خاصی است که شخصیت‌ها برای یکدیگر دارند به طوری که دیگر برای هم، عادی نیستند.

۲- بار پر کردن جاهای خالی و حفره‌های داستانتان را روی دوش مخاطب نیندازید.

۳- ممکن است متن شما شبیه به یک گزارش یکنواخت شود نه یک داستان. علت اصلی این امر، کمبود «کنش» است. احساسات موجود در کلمات را با «کنش» پیروانید و از غلو کردن پرهیز کنید. یعنی درمورد عشق حرف نزنید و آن را با رفتار شخصیت‌ها نشان دهید.

جمع‌بندی

در این مقاله سعی کردیم به تمام چالش‌های نویسندگی در ژانر عاشقانه بپردازیم. به طور کلی، نوشتن داستان عاشقانه آسان نیست حتی ممکن است در تلاش‌های اولیه داستانتان کلیشه‌ای شود. نگران نباشید، به تدریج با تمرین و مطالعه‌ی بیشتر داستان‌های جذاب‌تری خلق خواهید کرد. با رعایت نکاتی که در این مقاله گفته شد و استمرار در نویسندگی، می‌توانید یک اثر درخشان خلق کنید.

لطفا نظرات خود را درمورد این مقاله، برایمان بنویسید

منابع:

کتاب ۲۰ کهن‌الگوی پیرنگ

کتاب چگونه برای مجلات داستان کوتاه بنویسیم.

wikihow.com

پی‌نوشت: عکس‌های این مقاله، مربوط به فیلم «زندگی ادالین» است.

یک داستان عاشقانه می‌تواند به اندازه کافی جذاب باشد، با این حال، بسیاری از نویسندگان رمان‌های مدرن، به موضوعاتی نظیر نابرابری اجتماعی و جنسیتی، جنگ، اختلاف طبقاتی، هویت قومی و... علاقه‌مندند. از خود بپرسید آیا می‌خواهید داستان شما پیام بزرگتری داشته باشد یا خیر. برای این سؤال، هیچ پاسخ درست یا غلطی وجود ندارد، اما مهم است که پیام اصلی داستانتان را در نظر بگیرید

ویرایش و بازنویسی

بعد از نوشتن اولین نسخه داستانتان، می‌توانید بازنویسی را شروع کنید. هرگز همراه با نوشتن نسخه اولیه، ویراستاری را آغاز نکنید چون آزادی عمل شما در نوشتن را از بین می‌برد، حتی ممکن است در انتها، تصمیم بگیرید یک تغییر بنیادین در داستان ایجاد کنید به همین دلیل اگر به این توصیه عمل نکرده باشید، زحمتهایی که برای ویراستاری کشیده‌اید هدر می‌رود.

در بازنویسی به دنبال جزئیات اضافی و توصیف‌های غیرضروری بگردید که به داستان شما کمکی نمی‌کند.



سئو تکنیکال

سئو تکنیکال، مجموعه فعالیت‌های فنی مربوط به سایت است که از نظر موتورهای جستجو مهم هستند. این فعالیت‌ها باعث افزایش سرعت سایت، فهم بهتر محتوای سایت توسط ربات‌های موتور جستجو و... می‌شود.

بهبود سئو تکنیکال در وبسایت‌های برنامه‌نویسی شده نسبت به سایت‌های وردپرسی، مستلزم زمان و هزینه بیشتری است.



بازاریابی محتوا

قلب تپنده سئو، تولید و بازاریابی محتوایی است. فعالیت‌هایی شامل شناسایی کلمات کلیدی ارزشمند، آنالیز رقبا، تدوین استراتژی محتوایی، تولید محتوای ارزشمند، لینک سازی داخلی و ... را می‌توان بخشی از فرآیند بازاریابی محتوا دانست. موفقیت در سئو بدون محتوا، تقریباً غیرممکن است.

لینک‌سازی

لینک‌سازی داخلی یعنی وبسایت خودتان به یکی دیگر از مقاله‌های آن لینک دهد. لینک‌سازی خارجی یعنی دیگر وبسایت‌ها به مقالات شما لینک دهند.

رعایت استانداردهای سئو تکنیکال و تولید محتوای ارزشمند می‌تواند شما را به صفحه اول نتایج گوگل برساند اما...

سئو چیست؟

Search Engine Optimization

سئو (SEO) یا بهینه‌سازی برای موتورهای جستجو، به منظور بهبود عملکرد سایت شما براساس استانداردهای موتورهای جستجو و جذب بازدیدکنندگان بیشتر انجام می‌گیرد.

اهمیت سئو

لازمه رونق هر کسب‌وکاری پس از انجام پروژه طراحی وبسایت، پیدا شدن و دیده شدن توسط مشتریان و افزایش بازدید سایت است.

از آن‌جا که اکثر کاربران، از موتور جستجو گوگل برای یافتن سایت مد نظر خود استفاده می‌کنند؛ بالا آمدن در صفحه اول نتایج جستجوی گوگل، تعیین‌کننده است.

سئو سایت

سئو سایت، پیاده‌سازی روش‌هایی هوشمندانه برای افزایش رتبه سایت در نتایج جستجوی گوگل است که موجب افزایش بازدید سایت می‌شود.

سئو کلاه سیاه و کلاه سفید

استفاده از تکنیک‌های سئو در جهت رضایت مشتریان و رعایت تمام قوانین و اصول در این مسیر را سئو کلاه سفید می‌نامند اما

استفاده از ضعف موتورهای جستجو و تکنیک‌های فریب آن‌ها در کنار عدم اهمیت به رضایت بازدیدکنندگان را روش کلاه سیاه می‌شناسند.

هرچند ماه یکبار گوگل این تکنیک‌های کلاه سیاه را شناسایی کرده و سایت‌هایی که از این روش استفاده کرده‌اند را تنبیه می‌کند.

در انتها می‌توانید در دوره‌ها و کلاس‌های تخصصی شرکت کنید.

منابع:

websima.com

Seoedu.ir

Seokar.com

farin.academy

برای کسب رتبه ۱ و رقابت با سایت‌های قدیمی‌تر، شما نیازمند لینک‌سازی خارجی برای سایت خود هستید. فعالیت در شبکه‌های اجتماعی، کامنت مارکتینگ، خرید بک لینک، خرید رپورتاژ آگهی و ... را اصطلاحاً SEO Off-page می‌نامیم.

یادگیری سئو

برای یادگیری سئو می‌توانید یک کتاب پایه مانند «سئو ۲۰۲۲» از انتشارات برآیند را بخوانید. سپس مقالات و ویدئوهای این حوزه را دنبال کنید.



آیا این ترک‌ها و پینه‌ها جز یادآوری سرمای تلخ و دردهایی که کشیده‌ایم هیچ حرف دیگری برای گفتن ندارند؟

گمان می‌کنم «تجدیدنظر» مروارید ارزشمندی‌ست که از دل این تجربه‌ها بیرون می‌آید.

اعتباری که به واسطه دسترسی به آن، می‌توان بهتر و عمیق‌تر رشد کرد. اگر بتوانیم به تجدیدنظر مجهز شویم، مهارت آن را نیز پیدا می‌کنیم تا از موضع مصرانه خودمان پایین بیاییم، و نگاهمان را به‌روزرسانی کنیم

می‌بایست در خصوص بسیاری از قالب‌های فکری و ذهنی خود، تجدیدنظر کنیم. شاید یکی دیگر از حلقه‌های مفقوده در زندگی‌های پرسرعت امروزی همین مهارت تجدیدنظر است.

توسعه

فردی

سمیه محمدی

تجدیدنظر

توسعه فردی در مسیر نویسندگی

دستان مادر بزرگم زبر و خشک و پینه‌بسته بود. همیشه می‌گفت: «این زبری‌ها و پینه‌ها، یادگاری‌های کارکردن و درد کشیدن در سرماست.»

وقتی می‌خواست نوازشمان کند و مهرش را، روی صورتمان بیفشاند، می‌شد تیزی سرمای زندگی را لابه‌لای پینه‌های دستانش حس کرد. گاهی فکر می‌کنم چه تجربه‌های عظیمی در این دست‌ها پنهان مانده است.

معمولاً، از فصل سرد عبور کرده‌ایم، اما اثر ترک‌ها باقیست.

اگر به این موضع علاقه‌مندید پیشنهاد می‌کنم کتاب «دوباره فکر کن» از آدام گرانت را بخوانید. از طریق این کتاب می‌توانید به نتایج موثری در رابطه با تغییر تفکر برسید.

این مهارت قدرت انعطاف‌پذیری ذهن ما را افزایش می‌دهد و به ما کمک می‌کند تا در مسیر زندگی، با افکار پوسیده دست به انتخاب نزنیم و به افکار سازنده، مجوز ورود به ذهنمان را دهیم.

مثلا برای نوشتن داستان‌های جنایی بهتر است از زاویه دید اول شخص استفاده نشود.

داستان می‌تواند ترکیبی از اول شخص و سوم شخص باشد. البته این موضوع خیلی نادر است و بهتر است بر اساس نوع داستانی که می‌خواهید بنویسید زاویه دید اول شخص یا سوم شخص را انتخاب کنید.

سخن پایانی

با توجه به نکاتی که گفته شد، ابتدا باید یک ایده مناسب پیدا کنید و به دنبال آن یک زاویه دید درست انتخاب نمایید.



کتاب‌های «موبی دیک» و «هاکلبری فین» از مارک تواین، از کتاب‌های پرفروشی‌ست که با زاویه دید اول شخص نوشته شده است و می‌تواند برای شناخت زاویه دید به شما کمک فراوانی نماید. اگر به این موضوع علاقه‌مندید، به ما اطلاع دهید تا در شماره‌های بعدی در این باره بیشتر بنویسیم.

منبع :

کانال آموزش داستان نویسی سعید فرض پور

فیروزه خیرمند

زاویه دید

معرفی اجمالی زاویه دید

یکی از موارد بسیار مهم در نویسندگی بررسی زاویه دید است. در این مقاله قصد داریم به تعریف زاویه دید و انواع آن بپردازیم.

زاویه دید چیست؟

زاویه دید یکی از عناصر داستان‌نویسی‌ست که به خواننده و نویسنده اجازه می‌دهد تا با یکدیگر ارتباط مناسب برقرار کنند. در واقع زاویه دید پنجره‌ای است که نویسنده به روی خواننده باز می‌کند تا از طریق آن پنجره، وقایع را ببیند.

طبقه‌بندی زاویه دید

از نظر دسته‌بندی می‌توان زاویه دید را به سه نوع اول شخص، دوم شخص و سوم شخص تقسیم کرد.

از این میان، زاویه دید اول شخص و سوم شخص پرکاربردتر است. در ادامه برای درک بیشتر این زوایا مثال‌هایی آورده شده است. به این مثال‌ها توجه کنید:

اول شخص: من به مدرسه رفتم و معلم را دیدم.

دوم شخص: تو داشتی میرفتی که تصادف کردی.

سوم شخص: لباس را خرید و از فروشگاه خارج شد.

گزینش زاویه دید

انتخاب زاویه دید باید بر اساس نوع داستان باشد.

مروری بر کتاب «شاهراه تاثیر گذاری»

خلق و نشر ایده های خلاقانه

مقدمه

ردی که در بیراهه‌ها به‌جا مانده باشد، راه به جایی نمی‌برد. در واقع این شاهراه زندگی است که در آن قادر خواهیم بود تا مسیری که در پیش می‌گیریم را منحصر به خود کنیم. خیلی اوقات در همین تصورات به دنبال این شاهراه بوده‌ام. احتمالاً شما هم مثل من یا حتی بیشتر از من جستجو کرده‌اید.

همان‌طور که از نام این کتاب پیداست، نویسنده می‌خواهد پاسخی برای چنین دغدغه‌هایی ارائه دهد.



درباره نویسنده

شاهین کلانتری فعالیت در عرصه‌ی هنر و رسانه را از سال ۱۳۸۴ آغاز کرد. اولین اثرش همان سال در مجله‌ی طنز و کاریکاتور به چاپ رسید. پس از آن، بیش از یک دهه در مطبوعات کار کرد. کاریکاتور کشید، مقاله نوشت و درنهایت، سردبیر شد. مدتی هم در جشنواره‌های کاریکاتور شرکت کرد و با آثارش حدود چهل جایزه‌ی داخلی و خارجی برد؛

اما پس از مدتی ادبیات و آموزش برایش جدی‌تر شد، کاریکاتور و روزنامه‌نگاری را رها کرد و یکسره، غرق خواندن و نوشتن شد. او چند سالی است که «مدرسه نویسندگی» را اداره می‌کند. سخنرانی، مشاوره، تدریس و تولید محتوا بخش عمده فعالیت‌های او را تشکیل می‌دهند. اولویت کلانتری در مسیر آموزش، ارتقای مداوم «دوره‌ی آنلاین نویسندگی خلاق» است.

شاهین کلانتری، ماجرای خودش، از دوران کودکی تا چاپ این کتابش را در پیش گفتار به‌خوبی و روشنی برای مخاطبانش، بیان کرده است. در این بخش از کتاب، از چالش‌هایی که داشته، تجربه‌ها و درس‌هایی که گرفته، صحبت کرده است.

درباره کتاب

کتاب «شاهراه تأثیرگذاری» برای نخستین بار در سال ۱۴۰۰ توسط نشر کلید آموزش، در ۱۰۴ صفحه، به چاپ رسید و منتشر شد.

شاهراه تأثیرگذاری کتابی درباره‌ی آفرینش زندگی خلاقانه است. در این کتاب، با ایده‌های گوناگونی برای برندسازی شخصی از راه خواندن، نوشتن، تولید محتوا و تأثیرگذاری آشنا می‌شوید.

پاره‌هایی از کتاب

اگر قرار به نوشتن فقط پاره‌های مهمی از نوشته‌های این کتاب باشد، لازم است بگویم که بی‌اغراق مجبور به نوشتن کل کتاب در اینجا می‌شوم؛ زیرا سعی نویسنده در این کتاب بر این بوده تا در تمام بخش‌ها بدون اضافه‌گویی و اطناب، با زبانی ساده و روان برای عموم، مطالب را عنوان کند؛ بنابراین در این بخش به ذکر گزیده مختصری از بخش‌های مختلف کتاب، اکتفا می‌کنم:

این کتاب بر مبنای گزاره‌ی زیر نوشته شده است: «خلق و نشر مداوم محتوا شاهراه تأثیرگذاری است.» برای خلق محتوای تأثیرگذار، باید به فردی تأثیرگذار تبدیل شویم.

شاهراه تأثیرگذاری

چاپ
دوم

شاهراه تأثیرگذاری

شاهراه تأثیرگذاری کتابی دربارهٔ خلق زندگی خلاقانه است. در این کتاب، با ایده‌های گوناگونی برای برندسازی شخصی از راه خواندن، نوشتن، تولید محتوا و تأثیرگذاری آشنا می‌شوید.

این کتاب به شما کمک می‌کند:

- برای تبدیل شدن به فردی تأثیرگذار برنامه بریزید.
- بهتر مطالعه کنید و از آموخته‌هایتان بهره بیشتری ببرید.
- فاصله مغز و دستتان را کم کنید و خلاقانه بنویسید.
- ایده‌ها و افکارتان را در سطح گسترده‌تری هم‌رسانی کنید.
- جامعه هدف خودتان را بشناسید و مخاطبان و معاصران تازه‌ای بیابید.
- برند شخصی خودتان را بسازید و قصه زندگی‌تان را به روایتی الهام‌بخش تبدیل کنید.

شاهین کلانتری



چگونه
با خلق و نشر
ایده‌های خلاقانه
به فردی تأثیرگذار
تبدیل شویم؟

شاهین کلانتری



شاهین کلانتری فعالیت در عرصه هنر و رسانه را از سال ۱۳۸۴ آغاز کرد. اولین اثرش همان سال در مجله هنر و کاریکاتور به چاپ رسید. پس از آن، بیش از یک دهه در مطبوعات کار کرد. کاریکاتور کشید، مقاله نوشت و در نهایت، دبیر و سردبیر شد. مدتی هم در جشنواره‌های کاریکاتور شرکت کرد و با آثارش حدود چهار جایزه داخلی و خارجی برد؛ اما بعدتر که ادبیات و آموختن برایش جدی‌تر شد، کاریکاتور و روزنامه‌نگاری را رها کرد و یک‌سره، غرق خواندن و نوشتن شد. چندسالی است که «مدرسه نویسندگی» را اداره می‌کند و سخنرانی و مشاوره و تدریس و تولید محتوا بخش عمدهٔ فعالیت‌های او را تشکیل می‌دهند. اولویت کلانتری در مسیر آموزش، ارتقای مداوم «دوره آنلاین نویسندگی خلاق» است.

شاهین کلانتری



- تنها چیزی که باید از آن بترسیم، شروع نکردن است. شاید لازم است ما نیز همین‌الان شروع کنیم؛ بدون امید و بدون ناامیدی.

ای‌کاش همین‌الان شهامت آن را داشته باشیم که در هر حالتی، حتی رنجور و مضطرب و چرکین، شروع کنیم. مگر نه این‌که هر انسانی همین‌گونه پا به جهان می‌گذارد؟! کتاب را ببندیم و بی‌درنگ، در شاهراه تأثیرگذاری قدم بگذاریم.

سخن پایانی

مطالعه این کتاب، تمام آن کاری که باید برای خلق یک زندگی به‌عنوان اثری ماندگار، انجام دهیم، نیست؛ اما خوانش آن، به مخاطب کمک می‌کند تا با رسیدن به نگاهی خلاقانه، نقشه‌ی راه را ترسیم کند.

چنانچه شما هم تصمیم دارید، با نوشتن کتاب، اثری ماندگار از خود به جا بگذارید و در خلق بخشی از زندگی اثربخش سهیم باشید، می‌توانید مقاله «چگونه کتاب بنویسیم؟» را که در شماره اول نشریه محتواکار منتشر شده است، مطالعه کنید.

- استعداد و سخت‌کوشی و تخصص مهم‌اند؛ اما بدون محتواسازی و داشتن برند شخصی نیرومند، عمل، کم‌تأثیر و حتی بی‌تأثیر می‌شود. پس باید محتوایی تولید کنیم تا برند شخصی یا کسب‌وکارمان را بسازیم، حضور خودمان را به جهان اعلام کنیم و ایده‌ها و افکارمان را در گستره‌ی وسیع‌تری نشان دهیم.

- «من فعلاً دارم یاد می‌گیرم» تسکین‌دهنده‌ترین بهانه در جهت تنبلی و تعلل است.

- روی نویسنده باید سنگِ پایِ قزوین باشد!

- بلوغ ذهنی ما در گروه‌سازی، در صورتی متجلی می‌شود که در جایگاه مؤسس گروه، بپذیریم که لزوماً قرار نیست رهبری آن را هم خود ما بر عهده بگیریم، بلکه باید انتخاب رهبر را به اعضای گروه بسپاریم.

- الهام‌بخش بودن را باید از طریق هم‌صحبتی با افراد الهام‌بخش یاد بگیریم؛ اما لزوماً قرار نیست این هم‌صحبتی به‌صورت حضوری و دیداری یا با معاصران زنده باشد. گاهی مرده‌ها زنده‌تر و الهام‌بخش‌تر از هزاران زنده‌اند.

ایده‌یابی برای داستان کوتاه

چگونه موضوع داستان کوتاه خود را بیابیم؟

مشاهده دقیق آدم‌ها و اتفاق‌های پیرامون برای یک نویسنده بسیار مفید است. البته مراقب باشید که در دام قضاوت نیفتید. یک نویسنده خوب، اهل قضاوت کردن نیست. درباره آدم‌ها و رویدادها، از زوایای مختلف فکر کنید اما این فکرکردن به قضاوت درست یا غلط بودن منجر نشود. به جای داوری و نتیجه‌گیری قطعی، آن‌ها را به‌عنوان ماده اولیه داستان، به همان شکلی که هستند به‌خاطر بسپارید.

افرادی که سریع حکم صادر می‌کنند مناسب داستان‌نویسی نیستند شاید بهتر باشد شغل دیگری مثل خبرنگاری را انتخاب کنند. هاروکی موراکامی می‌گوید: «وظیفه کسی که می‌خواهد داستان‌نویس شود نتیجه‌گیری زودهنگام نیست. بلکه گردآوری و انباشته‌کردن مواد اولیه است بدون تغییر دادن آن.»

ایده‌یابی

ایده نوشتن داستان کوتاه از هر جایی ممکن است سر برآورد. از مشاهده درگیری بین دو جوان یا از شنیدن ماجرای اخراج شدن همسایه. هر اتفاقی که می‌بینیم یا می‌شنویم می‌تواند ایده‌ای برای نوشتن داستان باشد. فقط کافیست به آن ایده پر و بال دهیم تا پرواز کردنش را ببینیم.

نشریه نیوزویک به نقل از جی‌کی رولینگ نویسنده داستان‌های پرفروش هری پاتر، می‌نویسد: «در سال ۱۹۹۰ به همراه دوستم تصمیم گرفتیم تا به منچستر نقل مکان کنیم. پس از مدتی به لندن بازگشتم آن هم با قطار. در طول مسیر بود که ایده هری پاتر به ذهنم رسید.

خیلی تصادفی بود؛ قلمی برای نوشتن نداشتم و خجالتی‌تر از آن بودم که بخواهم از کسی در قطار درخواست قلم کنم. در آن زمان ناامید بودم اما وقتی به عقب نگاه می‌کنم می‌بینم بهترین لحظات عمرم بودند. در طول ۴ ساعت در درون قطار به تمام ایده‌هایی که اکنون در کتاب‌هایم می‌خوانید فکر کردم.»

دکمه‌ها

من ایده‌های نوشتن داستان کوتاه را دکمه می‌نامم، دکمه‌هایی که می‌توانند در خیاط، انگیزه‌ای برای دوختن کت ایجاد کنند. در اینجا خیاط شما باید و کت، همان داستان است.

در این مقاله سعی کرده‌ام دکمه‌های مختلفی در اختیاران قرار دهم تا شما بتوانید داستانی مناسب سلیقه خود برای آن بسازید. بر اساس انتخاب شما، ممکن است داستانی دراماتیک، عاشقانه، جنایی، طنز، تخیلی یا باشد. برای مثال، ایرج پزشک‌زاد در حوزه طنز و شکسپیر در حوزه درام کارهای شاخصی ارائه کرده‌اند.



البته که هر نوع داستانی بنویسید خوب است، فقط سعی کنید این کت را کامل بدوزید و نیمه‌کاره رها نکنید. اگر در توانتان است آن را آستر کنید و اتو هم بکشید. آنچه در توان دارید صرف کنید تا کار تمیزی از آب دربیاید.

دکمه اول

داستان پسر بچه‌ای که در خواب به فضا سفر می‌کند.

دکمه دوم

سخنران معروفی که برای اجرا روی سن می‌رود، در موقع نشستن بر صندلی، لباسش پاره می‌شود و یک کودک شش ساله تخس، شاهد این ماجراست.

دکمه سوم

پسر نوجوانی که برای یاد گرفتن شیمی به خانه معلم خصوصی می‌رود و در همان جلسه اول یک دل نه صد دل عاشق معلم جوان خود می‌شود (پسر را حدوداً هفده ساله و معلم را سی و دو ساله تصور کنید).

دکمه چهارم

خانواده فقیری که درموقح پیکنیک، گنجینه ارزشمندی را پیدا می‌کنند.

دکمه پنجم

عده‌ای خیر که درخواست سرپرستی کودکان پرورشگاه را دارند.

دکمه ششم

کسی که با پوشیدن کفش دیگران در نقش آن‌ها فرو می‌رود.

دکمه هفتم

دختر و پسر دوقلویی در گاوصندوق گول‌پیکر پدرشان گیر می‌افتند.

تیم تحریریه

شما

پاسخ به نظرات و سوالات شما

سارا اعتمادزاده:

«دسته‌بندی مطالبتون خیلی جذاب بود. همین که هر بخش رو به موضوعات کوچکتر، ساده‌تر و کوتاه‌تر تبدیل کرده بودید عالی بود.»

پاسخ:

از این‌که به جزئیات توجه کردید خرسندیم. سعی می‌کنیم به چشم‌نوازترین شکل ممکن مطالب را چیدمان کنیم.

بهراد چارثی:

«خوندن مطالبی مثل برگزاری وبینار، بیوگرافی و مقاله‌نویسی برام آموزنده بود.»

پاسخ:

بازخوردهای شما باعث می‌شود بفهمیم صفحات بیشتری را به چه موضوعاتی اختصاص دهیم و چه مطالبی را حذف کنیم.

باتشکر از همراهی و توجه شما.

لطفاً نظرات خود را از طریق اینستاگرام mohtavakaar به ما اطلاع دهید.

